

وحدت اسلامی در نگاه مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری

وحدت اسلامی در نگاه مرحوم علامه سید مرتضی عسکری

آنچه پیش روست ترجمه مقاله ای از مرحوم علامه سید مرتضی عسکری درباره وحدت اسلامی است که تقدیم خوانندگان عزیز می شود:

خدای سبحان می فرماید: «ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون!» این پیامبران بزرگی که به آنان اشاره کردیم (و پیروانشان) همه یک امت واحد بودند و من پروردگار شمایم، تنها مرا بپرستید. ما همه از آنچه در حال حاضر بر مسلمانان می گذرد، آگاهیم و علتش این است که صهیونیسم جهانی و حکومت های استعماری غرب گمان می کردند حیات را از جوامع اسلامی گرفته اند ولی پس از تشکیل جمهوری اسلامی به اشتباه خود پی بردند، لذا امت اسلامی را دچار جنگ های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج کردند، منظور از جنگ های خارجی، فلسطین و جاهای دیگر است. آنچه در داخل بر ما می گذرد، مصیبت بارتر است، زیرا آنان به گونه ای بی سابقه در تاریخ اسلام توانسته اند میان مسلمانان تفرقه ایجاد کنند. البته در گذشته نیز گاهی میان برخی از فرقه های اسلامی اختلاف بوده است. ما امروز برای رویارویی با خطرهایی که از هر سو و در همه جا ما را در بر گرفته چه باید بکنیم؟ اکنون بر یک و نیم میلیارد مسلمان واجب است با یکدیگر متحد شوند و اگر چنین کنند، هیچ قدرتی در جهان توان رویارویی با آنها را ندارد. ما امروز نیاز به وحدت در همه زمینه ها داریم که مثلا در عرصه اقتصادی از طریق تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی نظیر بازار مشترک اروپا دست یافتنی است. البته ایجاد چنین وحدتی وظیفه دولتهای اسلامی است، نه وظیفه ما. وظیفه ما علما و همه متفکران اسلامی در سراسر گیتی و دانشمندان جهان اسلام و رهبران فکری امت اسلامی، ایجاد همبستگی میان مسلمانان است. اینان باید وحدت اسلامی را برقرار کنند، و اینکه چگونه وحدت اسلامی تحقق می یابد، این جانب اندیشه ای در ذهن دارم که مطرح می کنم؛ وحدت اسلامی به دو نوع تقسیم می شود: 1 - وحدت علمی 2 - وحدت عملی.

برای تحقق وحدت علمی، باید به بحث و بررسی و مطالعه مسائل مورد اتفاق و اختلاف میان مکتب اهل بیت علیهم السلام و روش خلفا پردازیم. اما مهمترین موارد اتفاق، عبارتند از: 1 - قرآن کریم ما مسلمانان در تمام دنیا قرآنی اعم از چاپی، خطی و مکتوب به خط کوفی و نسخ یا هر خط دیگری جز همین قرآن نداریم و قرآن دیگری جز آن، در هیچ شهر یا خانه ای و نزد هیچ مسلمان و غیرمسلمانی یافت نمی شود. پس این بدگوییهای ما از یکدیگر برای چیست؟! ما باید برگرد قرآن جمع و با یکدیگر متحد شویم. 2 - سنت پیامبر صلی الله علیه و آله همه مسلمانان دنیا اتفاق نظر دارند بر اینکه [باید] به آنچه در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، عمل کنند، و هیچ مسلمانی یافت نمی شود که قائل به این حرف نباشد. این دو از اهم موضوعات مورد اتفاق میان دو مکتب است، و مهمترین موارد اختلاف نیز همین دو مورد است. فهم قرآن دو مکتب یاد شده در فهم اصطلاحات قرآنی اختلاف نظر دارند مانند «کرسی» در عبارت «وسع کرسیه السموات والارض» برخی از مسلمانان در معنای آیه می گویند: در آسمانها جسمی وجود دارد به نام «کرسی» که خداوند [العیاذ بالله] بر روی آن می نشیند، ولی ائمه اهل بیت علیهم السلام به استناد آنچه در زبان عربی آمده، به ما آموخته اند که «کرسی» در این جا به معنای علم است، بنابراین معنای آیه شریفه يعلم ما بین ایدیهما وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض»، این است که خداوند آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و در پشت سر آنان است می داند و جز به مقداری که بخواهد، کسی از علم او آگاه نمی گردد و علم او بر همه آسمانها و زمین احاطه دارد و چیزی از قلمرو نفوذ علم او بیرون نیست. به هر حال این یک مسئله علمی است و ما می توانیم در یک بحث علمی آن را بین خودمان مورد بحث و بررسی قرار دهیم و مانعی ندارد که شما رای مرا و من رای شما را نپذیریم، و در عین حال یکپارچه و متحد باقی بمانیم و اختلاف نظر به دوستی ما خللی وارد نکند. فراگیری سنت: یکی از موارد اختلاف میان مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفا، پاسخ این سوال است که ما سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را از چه کسانی باید فرا بگیریم؟ آیا تنها از صحابه آن حضرت، و از همه آنان؟ آیا همه صحابه عادل بودند؟ اینها مسائلی است که برادران اهل سنت ما به آنها اعتقاد دارند و در مقابل آن، عقیده مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این است که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ما باید از عدول صحابه و از خود ائمه علیهم السلام فرا بگیریم، و این خود یکی از مسائل فقهی مورد اختلاف میان ماست و هر یک از طرفین (شیعه و سنی) دلایل خود را ارائه می دهد.

علاوه بر این برای دستیابی به این وحدت علمی ما به مطالعه و بررسی اصطلاحات قرآن و عقاید اسلامی نیازمندیم، زیرا ما در حوزه های علمی خودمان و در الازهر و دانشگاه اسلامی الزیتونیه [در تونس]، و در حوزه نجف و قم، اصطلاحات فقهی را خوانده و آموخته ایم ولی اصطلاحات اسلامی، قرآنی، عقیدتی را رها کرده ایم، به عنوان مثال، ما «ا» را اسم جنس و اصل آن را «الاله» می دانیم که همزه اله حذف و

لام مشدد شده و حال آن که علم مرتجل است. و همچنین اصطلاح «خلیفه ا» (جانشین خدا) که به نظر ما بر هر بشری صدق می‌کند ولی در حقیقت جانشینان خدا در زمین ائمه معصومین علیهم السلام هستند که خداوند آنان را پیشوایان هدایت مردم قرار داده است. پس از درک امثال این اصطلاحات است که فهم صحیح قرآن و عقاید اسلامی برای ما مشخص می‌شود.

این جانب بیست و پنج اصطلاح را در کتابی مورد تحقیق قرار داده‌ام، برخی از آنها عبارتند از: - «اسم» در آیه شریفه: «سبح اسم ربك الاعلی» و معنای آن - «علم آدم الاسماء» و معنای آن - فرقی که میان «اله» و «رب» وجود دارد. با توجه به مطالبی که عرض کردم، ما اولاً به بررسی این اصطلاحات و ثانیاً به مطالعه و بررسی منابع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیاز داریم، تا برای ما روشن شود که آیا می‌توانیم احکام اسلام را از کتاب و سنت و نیز از اجتهادهای صحابه و خلفا بگیریم؟ یا باید به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ یکی از اجتهادهای صحابه در زمان خودشان این بوده که به عنوان مثال خلیفه دوم اجتهاد کرده و به نهی از عمره تمتع فتوا داده و امروزه برخی از مسلمانان بر طبق آن عمل می‌کنند و برخی نمی‌کنند، در این موارد ما باید به مطالعه بپردازیم که آیا بر عمل به اجتهادهای خلفا باقی بمانیم یا در به دست آوردن احکام اسلام به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ این مسائل یعنی منابع سنت و استنباط احکام را باید بررسی کنیم و این کاری است که من در سه جلد کتاب با عنوان «معالم المدرستین» انجام داده و از نامگذاری آن به نام شیعه و سنی خودداری کرده‌ام و آن را مکتب خلفا و مکتب اهل بیت علیهم السلام نامیدم. در این جا مطلبی را که در آخر کتاب «معالم المدرستین» نوشته‌ام، نقل می‌کنم؛ «روی سخن با دانشگاههای اسلامی و اندیشمندان جهان اسلام، علما، نویسندگان اسلامی و مبارزان راه اعاده حیات اسلامی ما و با مصلحان غیرتمند است.

جهان اسلام نهضتی را برای تجدید حیات اسلام و نیل به هدفی نو آغاز کرده و شایسته است بی طرفانه به بررسی منابع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، سیره و حدیث بپردازیم و بر تقلید از سلف صالح باقی نمانیم نه در استنباط احکام شرعی، و نه در فهم حدیث. من خودم به «صحیح بخاری» مراجعه می‌کنم و حدیث درستی را که در آن می‌بینم اخذ می‌کنم، همان‌طور که به اصول کافی نیز مراجعه می‌کنم و با این روش است که شناخت اسلام از کتاب و سنت و دستیابی به آن تحقق پیدا می‌کند و وحدت کلمه مسلمانان را پیرامون کتاب و سنت به منظور اقدام کردن به تجدید حیات اسلامی، امکان پذیر می‌سازد. من در اجرای طرح و اندیشه خودم و به منظور پالودن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام به تالیف سلسله مباحثی از جمله احادیث ام المومنین عایشه نموده و در آنها احادیث نقل شده از وی را با احترام کامل بررسی کرده و در جلد دوم آن مباحث اثبات کرده‌ام که برخی از احادیث نقل شده از عایشه تهمت‌هایی است که بر او و بر صحابه وارد کرده‌اند، مانند داستان غرانیق که کفار متظاهر به اسلام این

افترا را به آنها بستند و نیز داستان نزول جبرئیل در آغاز وحی و اینکه او رسول خدا صلی الله علیه و آله را سه بار خفه کرد، از داستانهای ساختگی آنان است. اینها اتهاماتی است که بر ام المومنین عایشه و سایر صحابه بسته اند، و در بحث از آنها اقداماتی را که عایشه انجام داد و به وسیله آنها سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را پاک کرد، ذکر کرده ام و درباره برخی از آنها گفته ام شاید در نسبت دادن حدیث به وی (عایشه) اشتباهی رخ داده باشد، و بقیه احادیث نقل شده از او را به طور علمی بررسی کرده ام، بویژه آنچه درباره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله از عایشه نقل شده است، من با بی طرفی کامل به بررسی این مطالب و مطالب دیگر پرداخته ام؛ مطالبی که در کتابهای دیگر آمده و شما عناوین آنها را در پایان جلد اول «عبدال بن سبا» می یابید. از برادران دانشور خود تقاضا می کنم درباره مطالبی که در تالیفاتم آمده با من به مناقشه بپردازند و مکاتبه کنند، و با این روش است که وحدت علمی تحقق پیدا می کند.

وحدت عملی

در این باره از باب مثال عرض می کنم: ما در مکتب اهل بیت علیهم السلام حکمی داریم مبنی بر اینکه «هر کس در نماز بسم الله الرحمن الرحیم نگوید نمازش باطل است»، و نمی توان به او اقتدا کرد ولی با توجه به اینکه برادران حنفی مذهب ما چنین عقیده ای ندارند و حمد را بدون «بسم الله» قرائت می کنند، از ائمه ما در کتاب «وسائل الشیعه»، در سه حدیث از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «من صلی خلفهم کان کمن صلی خلف رسول الله»، (یعنی؛ کسی که پشت سر آنان نماز بخواند، مانند آن است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خوانده است)، با اینکه آن امام [جماعت] حنفی «بسم الله» نمی گوید. در حدیث دیگری آمده: «اذا صلیت معهم غفرلک بعدد من خالفک - فی قراءه البسمله - و حضر الصلاه فی المسجد»، (یعنی؛ هر گاه تو با آنان نماز بگذاری، به تعداد کسانی که در خواندن بسم الله با تو مخالفت کرده و در مسجد به نماز ایستاده اند، از گناهانت آمرزیده می شود.) امام صادق علیه السلام به راوی دیگری فرمود: «یا اسحاق! اتصلی معهم فی المسجد؟ قال: قلت نعم، قال: «صل معهم، فان المصلی معهم فی الصف الاول کالشاهر سیفه فی سبیل الله»؛ ای اسحاق، آیا با آنان [مخالفان] نماز می گذاری؟ گفتم: آری؛ فرمود: با آنان نماز بگذار، همانا، نمازگزار با آنان در صف اول، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است. بدین سان وحدت عملی تحقق می یابد.

امام صادق علیه السلام شخصا با ابوجنیفه می نشست و در عقاید و احکام با وی مناظره می کرد، و این کار تا زمان شیخ مفید در بغداد معمول بود. شیخ طوسی استاد کرسی تدریس در دارالخلافه بود، ولی سلاجقه که به بغداد رفتند، کرسی شیخ را سوزاندند و میان ما جدایی افکندند، سپس اختلافهایی میان

صفویه و خلافت عثمانی پدید آمد، و این اختلافات در واقع از سیاست ناشی می‌شد نه از دین. همه این مسائل در گذشته وجود داشت و برخی از آنها رنج‌آور است، مانند آنچه در میان برخی از شیعیان رواج داشته که آنان برخی از صحابه را لعن می‌کردند. من به شما بگویم که لعن را معاویه از سال 40 هجری آغاز کرد، و امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بر روی همه منابر مسلمین در خطبه‌های نماز جمعه لعن می‌شد، و این عمل تا آخر دوره امویان - جز دو سال خلافت عمر بن عبدالعزیز - ادامه یافت. در همه این مدت آیا گمان می‌کنید شیعیان علی علیه‌السلام و خاندانش مقابله به مثل نکردند؟ چرا کردند، ولی اکنون چه ربطی به ما دارد؟ ما باید دست از این اختلاف [لعن] و اختلافات دیگر، برداریم. امروز، ما باید اختلافات و جدال‌های بی‌نتیجه را رها کنیم و تنها به مطالعه و بررسی این موضوع بپردازیم که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و تفسیر قرآن را از کجا بگیریم. هر یک از ما (شیعه و سنی) دلیل عقایدش را ارائه می‌کند و دلیل برادرش را می‌شنود، چه آن را بپذیرد یا نه ولی در برابر دشمن مشترک از برادر دینی خود حمایت کنیم و به خاطر وی فدا شویم، مانند برخوردی که جمهوری اسلامی با مسلمانان فلسطین داشته، که همه کشورهای عربی می‌خواهند دست دوستی به اسرائیل بدهند، جز جمهوری اسلامی که از انتفاضه در داخل فلسطین پشتیبانی می‌کند و حزب‌الله لبنان را از شیعیان طرفدار خود، به وجود آورده تا به وسیله آنان با اسرائیل بجنگند و آنان به خاطر فلسطینیان کشته شوند، و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) روز قدس را قرار داد. ما نیز باید مسلمانان را به این نوع وحدت (عملی) فرا خوانیم، و آخرین کلام من این آیه شریفه است: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الی علی بصیره».

(منبع: روزنامه رسالت چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۸۶، شماره ۶۲۴۸)